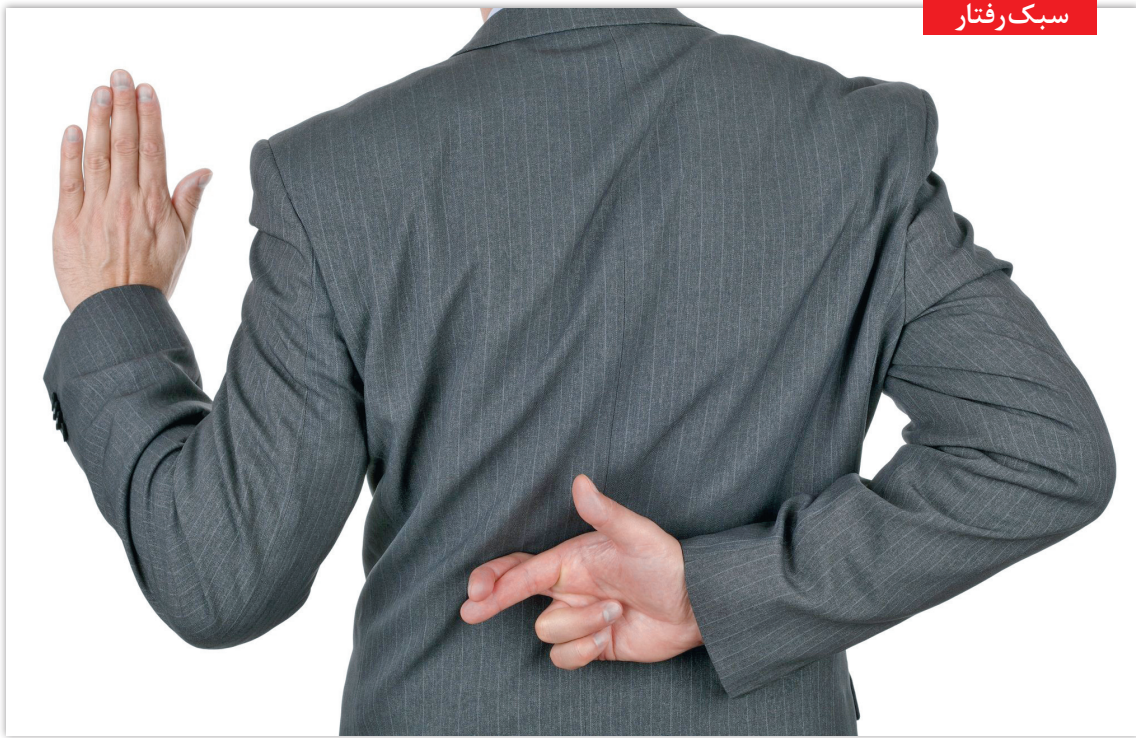


سبک رفتار



با انواع دروغ در زندگی اجتماعی آشنا شویم

سوار بر قطار دروغ به کجا می‌رویم؟!

■ **مرضیه بامیری**

دروغ ادعای باطلی است که گوینده عمداً آن را به عنوان حقیقت بیان می‌کند. دروغ برای فریب، کلاهبرداری یا جلوگیری از یک وضعیت ناخوشایند گفته می‌شود. اما ساده‌ترین معنی دروغ است. رفتاری ناپسند که از طرف دین نهی شده است و گناه کبیره به شمار می‌آید. این یک خصیصه جهانشمول است؛ یعنی حتی در کشورهای غیر دینی که معتقد به بهشت و دوزخ و محاکمه دروغگو نیستند، امری ناپسند محسوب می‌شود و افراد تمام جهان هم از این خصلت غیر انسانی بیزارند و گفتگوش را نهی می‌کنند. چرا دروغ می‌گوییم؟ چرا کوچک و بزرگ، خواسته و ناخواسته تعدادی دروغ‌ریز و دردت به زبان می‌آوریم؟

■ ■ ■

دروغ می‌گوییم چون چاپلوس و متعلق هستیم

حتماً این آدم‌ها را زیاد دیده‌اید. آنهایی که مدام از عده‌ای تعریف افراطی می‌کنند که اسمش می‌شود چاپلوسی. در اداره یا شرکت افرادی هستند که از اوضاع ناراضی‌اند ولی راهشان را از یقیه معترض‌ها جدا کرده‌اند. مدام جلوی چشم مدیر ظاهر می‌شوند و با سلام و احوالی‌رسی‌های معنادر خودشان را در چشم مدیر عزیز می‌کنند. بعضی‌ها برای اینکه کارشان راه‌یافتد چاپلوسی می‌کنند. فرقی نمی‌کند کجا باشد یا تملق چه کسی را می‌گوید. اگر لازم باشد با چرب زبانی و تعریف و تمجید تخفیف خوبی می‌گیرند. با تعریف از رئیس مأموریت می‌گیرد، نامه ارتقای درجه‌اش امضا می‌شود. عده‌ای در ادارات حتی برای انجام خدمات پیش و پس از ناهار مانند گرم کردن نان، خریدن و غیره چاپلوسی پرسنل آبدارخانه را می‌کنند. این آدم‌ها وانمود به خوبی می‌کنند. هر حرفی که از دهان رئیس بیرون بیاید بی‌چون و چرأ تأیید می‌کنند. مدام از درایت و هوشمندی مدیر تعریف می‌کنند و سعی دارند خودشان را توی چشم نگه‌دارند. فروشنده‌های چاپلوس هم با تعریف از مشتری آنها را وادار به خرید می‌کنند. کافی است مشتری برای خرید لباس از آنها نظر بخواهد. آنقدر از خوش سلیقه‌گی و حسن انتخاب و تعریف می‌کنند که او برای خرید همان لباس در مغز او فروخته‌اند. هر مرغ میل باطنی‌اش چاپلوسی می‌کند و در نهایت دانش آموزی که با چاپلوسی خودش را در دل معلم جا می‌کند و حتی اگر اهل درس هم نباشند اسامی همیشه ورد زبان‌هاست.

دروغ می‌گوییم تا از مناسبات اجتماعی فرار کنیم

یکی به مارزنگ زده و برای آخر هفته قرار ملاقات هماهنگ می‌کند. برای این دیدار شوق داریم ولی یک‌دفعه برنامه عوض می‌شود و می‌خواهیم برنامه ملاقات را کنسل کنیم، اما آنقدر با مخاطب خود رودرپایستی و از گفتن حقیقت واهمه داریم که به دروغ مصلحتی پناه می‌آوریم و بیماری را بهانه می‌کنیم. خیلی از مدیرها برای شرکت نکردن در جلسات و برنامه‌ها بهانه می‌آورند. خیلی وقت‌هایی خواهید دید مدیر یا مسئول یک مجموعه

ریشه روابطشان می‌زند. خیلی از زوج‌ها وقتی وارد زندگی مشترک می‌شوند متوجه دروغ‌های فاجعه‌بار همسرشان می‌شوند، وقتی دیگر کار از کار گذشته است و در این صورت یا مجبور به تحمل می‌شوند یا راه طلاق را برمی‌گزینند. یا نوجوان‌ها مثل آب خوردن دروغ به هم می‌بافند که پدر و مادرها از موضع اعتماد به فرزندشان کوتاه نیایند و در سایه این اعتمادشان به رفتارهای خود ادامه دهند. حتی یک کودک هم وقتی کار اشتباهی می‌کند برای فرار از تنبیه یا خشم مادر مجبور می‌شود حقیقت را حفظ نکند. اما عادت به صداقت ندارند. اگر کسی همیشه راست بگوید آن را دیوانه می‌پندارند یا از سادگی کلامش سواسفته‌می‌کنند. انگار در این دنیا فقط بچه‌ها هستند که صادقند و هنوز لوح وجودشان به تیرگی آلوده نشده است و می‌شود روی کلامشان حساب باز کرد.

برای بازاریابی دروغ می‌گوییم

بسیاری از فروشنده‌ها قبل از آنکه بازار باب خوبی باشند یک دروغ‌گویی ماهر هستند. آنها می‌توانند در کسری از ثانیه با دروغ‌های جذاب مشتری را ترغیب به خرید کنند. حتماً برای شما هم پیش آمده که از تناقض واقعیت‌ها تا تعریف افراطی گیج شوید و در انتخاب مردد بمانید. گاهی آنقدر از جنس یا خنثی‌ای که ارائه می‌دهند تعریف و تمجید می‌کنند که شما وسوسه می‌شوید. برای خرید لباس که می‌روید آنقدر از جنس و دوخت تعریف می‌کنند که انگار با آن قیمت به شما لطف کرده‌اند، در حالی که در خانه وقتی لباس را آنگوشی



می‌کنید آب می‌رود یا رنگ‌هایش قاطی می‌شود.

دروغ می‌گوییم تا از عزیزان خود محافظت کنیم!

درها را بسته‌ایم و راهی سفر هستیم. قرار است چند روزی نیاشیم ولی اگر کسی زنگ بزند و بگوید تلفن خانه را جواب نمی‌دهی به او می‌گوییم تلفنم خراب است. پیش خودمان فکر می‌کنیم کسی نداند ما خانه نیستیم بهتر است. برای امنیت دروغ می‌گوییم. یادوست دختر تو جوانم زنگ می‌زند که اجازه بدهد با هم به مهمانی بروند ولی ما این مهمانی را اصلاح نمی‌دانیم پس با یک بهانه تری‌اش ساده وانمود می‌کنیم دخترمان خواب است یا قرار است شب مهمانی برویم.

گاهی مردها اتفاقات کاری را پشت در می‌گذارند و وارد خانه می‌شوند. می‌گویند همه چیز ردیف است، در حالی که اوضاع اصلاً روبه‌راه نیست. آنها برای ناراحت نکردن ما حاشان را پنهان کرده و به عبارتی به دروغ می‌گویند که حالشان خوب است. یا ممکن است به یک بیماری لاعلاج مبتلا شویم ولی ترجیح دهیم خانواده خود را نگران نکنیم. این دروغ‌ها خیلی دوام نمی‌آورند و زود افشا می‌شوند ولی ما برای محافظت از سلامت روانی آنها به

بعضی‌ها آن قدر زیبا و حرفه‌ای دروغ می‌گویند که کسی باورش نمی‌شود. آدم‌ها دروغ می‌گویند تا جلب اعتماد کنند ولی نمی‌دانند همین رفتار تیشه به ریشه روابطشان می‌زند. خیلی از زوج‌ها وقتی وارد زندگی مشترک می‌شوند متوجه دروغ‌های فاجعه‌بار همسرشان می‌شوند، وقتی که دیگر کار از کار گذشته است

دروغ پناه می‌بریم. اینجا مصداق واقعی دروغ مصلحتی نمود پیدا می‌کند. در واقع خیلی سخت می‌توان دروغی را که موجب جلوگیری از یک مفسده یا ناراحتی می‌شود دروغ نامید. البته این دروغ‌ها تاریخ مصرف دارد و قصد داریم در فرصتی مناسب و به تدریج حقیقت را بگوییم.

دروغ می‌گوییم تا دروغ قبلی را بپوشانیم

شنیده‌اید که می‌گویند دروغ دروغ می‌آورد؟ راست می‌گویند. همه ما حداقل یک بار در این وضعیت فرج گیر افتاده و مجبور به گفتن دروغ‌های بیبای شده‌ایم تا دروغ قبلی مان را بپوشانیم. فرض کنید با یک دوست قدیمی به کافی شاپ رفتیم ولی برای فرار از سوءظن‌های احتمالی خانواده می‌گوییم تا بروقت جلسه بودیم. آن وقت است که کارمان درمی‌آید و در مکالمات بعدی باید درباره موضوع جلسه، مکان جلسه، آدم‌های جلسه و دهها موضوع دیگر دروغ بگوییم که البته مدیریت دروغ‌های به هم پیوسته آسان نیست و اگر فرد باهوشی ناشیتم خیلی زود بند را با داده و دست خودمان را با همان دروغ اول رو می‌کنیم.

دروغ می‌گوییم که کم نیاوریم

این مدل دروغ گفتن‌ها که به خالی بندی معروف است بیشتر بین جوان‌ها مرسوم است. همه بچه‌ها بدون اینکه مایل به دروغ‌گویی باشند تن به خالی بستن می‌دهند. آنها نمی‌خواهند مقابل دوستان یا اقوام خود کم بیاورند پس همیشه سعی می‌کنند یک پله از آنها جلوتر باشند البته فقط در حرف و بیزر گنمایی کردن فضای مجازی هم بستر این خالی بستن‌ها را فراهم کرده و ما هر روز در ویژه در خیابان شاهد افرادی هستیم که با سر در رستوران‌ها یا هایپرهای معروف عکس می‌گیرند و در استوری می‌گذارند و سپس به همان حراج همیشه‌گی می‌روند و خریدشان را با کمترین قیمت ممکن انجام می‌دهند. همه دنبال تخفیف سالانه فروشگاه‌ها هستند ولی وانمود می‌کنند دست و دل‌بازند و بهترین برنده‌ها را انتخاب می‌کنند. فضای مجازی جولانگاه دروغ‌هایی است که هر روز عین نقل و نبات به هم می‌گوییم. از پنهان کردن یا تغییر هویت جنسی‌مان گرفته تا سبک زندگی، نوع پوشش، تغذیه... و به دروغ متوسل می‌شویم. کار سختی نیست وانمود کنی خوشبخت هستی، در حالی که نیستی و این بزرگ‌ترین قصه‌های زندگی ما این روزها به ویژه در فضای مجازی به هم می‌گوییم. حالمان بد است ولی استوری‌های آمیودار کنده می‌گذاریم و جلب است که حالمان باین دروغ‌ها به صورت مقطعی بهتر می‌شود ولی باز برمی‌گردیم سرچای اولمان.

واما دروغ و دروغ و دروغ...

دروغ از اساس یک مقوله منفور ورد شده در تمامی مکاتب است. پس اگر به آن عادت کرده‌ایم یا شنیدن و گفتنش مارا دچار هیچ واهمه‌ای نمی‌کند یک جای کار می‌لنگد. وقتی دروغ‌گویی همه‌گیر می‌شود اعتماد عمومی از بین می‌رود و هر کس سعی می‌کند برای پیشبرد اهداف شخصی خود با راه‌ها و بارها دروغ بگوید. مترو تابلوی خوبی برای شنیدن دروغ‌های روزمره آدم‌هاست. یکی گوش‌بی به دست وعده داد گاه‌را عقب می‌اندازد. یکی طلبکارش را قانع می‌کند تصادف کرده و در بیمارستان است. آن یکی شعر عاشقانه می‌خواند به فریب. یکی سسر مستأجرش کلاه می‌گذارد. یکی خانه‌ای را با فریب به مشتری نگویند بخت می‌دهد و... و همه با هم سوار بر قطار دروغ به یک مقصد نامعلوم می‌رویم که تپش به ترکستان است!

کاش می‌شد عادت دروغ‌گویی را ترک و آن‌را از تارک دنیا و جامعه پاک کرد. کاش شود مغز همه ایرانی‌ها را تعمیر کرد تا عادت زشت دروغ‌گویی از میان برود و دوباره عطر اعتماد و راستی در فضا بیچید. بی خود نیست که دروغ را ام الفساد می‌خوانند.

سبک اصلاح



چرا امر به معروف و نهی از منکر کم‌رنگ و بی‌اثر شده است؟

استحکام بخشی به ظواهر دینی ضرورتی فراموش شده

■ **احسان آبتی**

بی‌تردید یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر اثرگذاری آن است و در این بین شرط تأثیر پذیری نیز این است فردی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد در بادی امر متوجه باشد کارش ناهنجار و ناپسند است. اما فردی که به گناه خو گرفته است و کم‌کم با تغییر گرایش‌اش معروف و منکر نزد او جابه‌جا شده است هنگامی که مورد امر به معروف و نهی از منکر واقع می‌شود متعجب و حیران یا گاه عصبانی می‌شود مگر من چه کار کردم که به من تذکر داده می‌شود. اما سؤال اصلی و اساسی اینجاست که چه اتفاقی در جامعه افتاده که قبح بسیاری از گناهان ریخته شده و رمز گناه و ثواب از بین رفته است.

بحث خود را با یک مثال شروع می‌کنیم. موضوع ماهواره یکی از فراگیرترین مثال‌ها در این زمینه است. همه می‌دانیم به هر دلیلی استفاده از ماهواره بین مردم افزایش یافته است و خانواده‌های بسیاری در طول شبانه‌روز برنامه‌های ماهواره را می‌بینند.

پیشتر از این ماهواره داشتن قبیح شمرده می‌شد و مردم چه از ترس ابرو و چه از وحشت برخورد با دستگاه‌های مربوطه، ماهواره خود را پنهان می‌کردند، اما امروز علنی در پشت پنجره‌ها بدون نصب کرده و حتی برای هم فیلم‌ها و برنامه‌هایی را که شب قبل دیده‌اند تعریف می‌کنند. روز به روز دشمنان ایران، شبکته‌های فارسی زبان را مانند قارچ تأسیس می‌کنند.

پیشتر از این ماهواره چه می‌بینند؟ بهترین حالت آن این است که پای شبکه‌های خبری بنشینند و اصلاً فیلم‌های مسئله‌دار یا مستهجن نگاه نکنند، اما در همان برنامه‌های خبری به طور مستمر و هر شب زنان فارسی زبان بی‌حجاب با لباس‌های نامناسب را نگاه می‌کنند آن هم در جمع خانواده و از کودک گرفته تا پدر و مادر خانواده در کنار یکدیگر! غرض نگارنده از بیان این مطالب نقد ماهواره داشتن یا مسئله ماهواره نیست، هدف بیان این نکته است که باید به نحو اصولی با واقعیتی مواجه شده و بر اساس آن بتوان درست تصمیم گرفت.

مردی که هر شب زنانه بی‌حجاب با دامن کوتاه و لباس‌های یقه باز و پوشش‌های اینگونه را تماشا می‌کند کم‌کم برای نگاهش اینگونه پوشش عادت می‌شود. ثمره این عادت آن است که هنگامی همسر یا دختر یا خواهر خود را می‌بیند که یک روسری نصفه و نیمه به سر دارد، ماتویی هم به تن دارد و پاهایش نیز با ساپورت پوشیده شده است او را متحبه کامل می‌دانند! آن مرد یا آن زن خود را با زنانه مقایسه می‌کند که هر شب در برنامه‌های ماهواره‌ای با آنها سری می‌کند و لذا در مقایسه با آنها احساس بی‌لباسی یا بدلباسی نمی‌کند! در فضایی که برهنگی موج می‌زند او از اینکه چنین لباسی بر تن دارد باز هم احساس کمبود آزادی می‌کند!

اضافه کنید بسر این موضوع، کانال‌ها، گروه‌ها و صفحات فضای مجازی را که به هر شیوه ممکن بر این مشکلات دامن زده و حتی در مواردی از به عنوان مثال وقتی دشمن درصدد تقدس زدایی از وجود مبارک ائمه و پیامبر اکرم(ص) است و با ساختن فیلم و کاریکاتورهای موهن این اقدام را انجام می‌دهد ما باید سستی کنیم در بردن نام معصومین و به خصوص پیامبر اکرم(ص) حساسانه‌تر بشیرتی به خرج دهیم و با احترام بیشتر و کامل‌تری اسامی مقدس آنها را بر لب بیآوریم تا با این کار نقشه تقدس زدایی دشمن از بین برود.

ختم کلام اینکه، حال که ماهواره‌ها و فضای مجازی به طور فعال درصدد کم‌رنگ کردن حجاب و حیا هستند متدبنین جامعه چه مرد و چه زن باید برای حفظ فرهنگ عفاف محکم‌تر از قبل به ظواهر دینی عمل کنند.

البته این کار باید با نیت الهی و بدون شبانه‌ریا انجام گیرد. در کنار این امور نباید از کارهای فرهنگی، افتاعی، هنری و حتی پلیسی (در موارد خاص) غافل شد.

